

مركز جهانی علوم اسلامی
جمهوری اسلامی ایران - قم - ۱۳۵۸

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

« ژئوپلیتیک افغانستان، فرصت‌ها و تهدیدها »

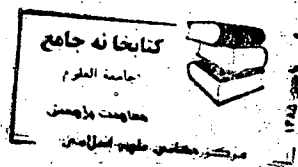
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و معارف اسلامی

نگارش: فرحت بیدار

استاد راهنما: دکتر محمد ستوده

استاد مشاور: دکتر عبدالقیوم سجادی

بهمن ۱۳۸۴

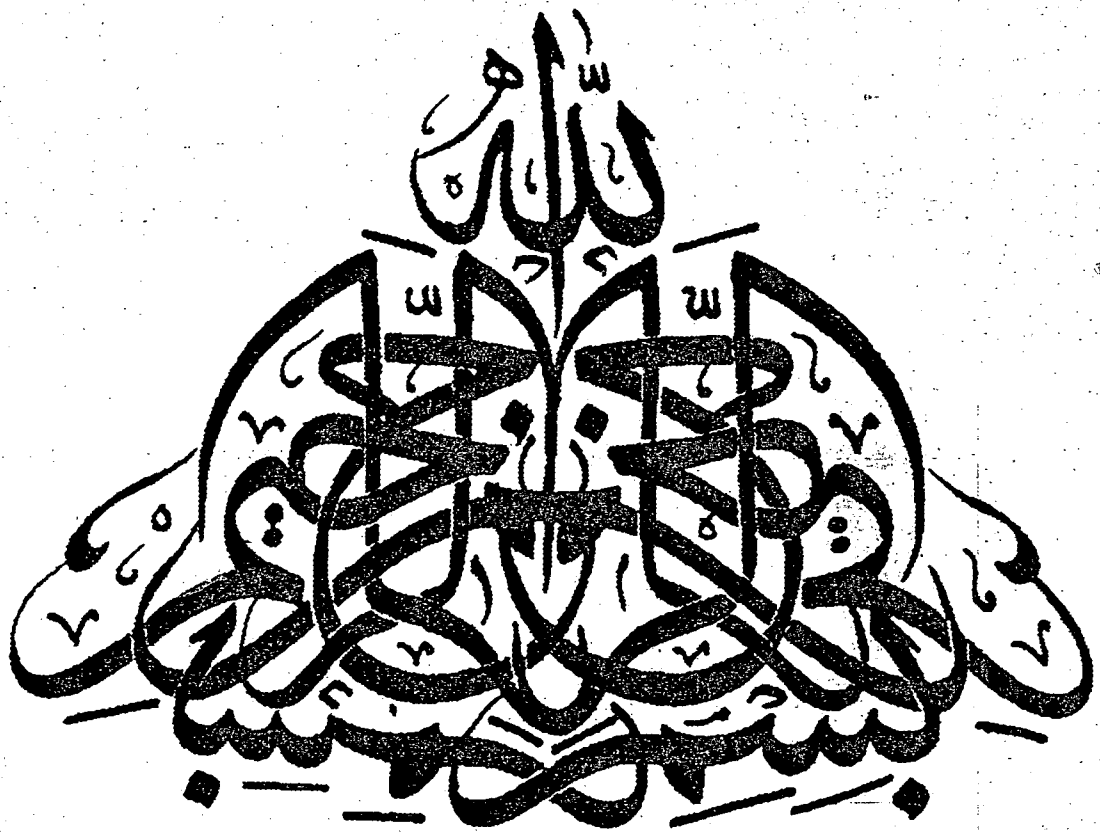


کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۷۴
تاریخ ثبت:

□ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه ، به عهده نویسنده می باشد.

□ هر گونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع ، بلااشکال است و نشر آن

در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.



تقدیر و تشکر

با حمد و سپاس از الطاف نامت‌های حضرت حق تعالی که عنایتش شامل ما گردید، و با تشکر و تقدیر از زحمات تمام کسانی که در تحقق این رساله به نحوی از انحاء سهم داشته‌اند.

بویژه از مسئولین محترم امور پایان نامه در مرکز جهانی علوم اسلامی و مدرسه عالی فقه و اصول و معارف اسلامی (حجتیه) و با سپاسگذاری ویژه و فراوان از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد ستوده که به عنوان استاد راهنما در تمام مراحل تدوین این رساله با مهربانی و دلسوزی و نهایت همکاری خویش را مبذول داشته‌اند و با حسن نظر و کمال دقت، عنایت ویژه و اشراف خاص داشته‌اند.

و هم چنین با کمال سپاس و قدردانی از استاد عالی قدر آقای دکتر عبدالقیوم سجادی که به عنوان استاد مشاور با نکته سنجی و ظرافت به اصلاح آن مبادرت و اهتمام ورزیده‌اند بدین وسیله از باب «من لم یشکر المخلوق لا یشکر الخالق» با کمال امتنان و سپاس، مراتب تحسین و تمجید خویش را صادقانه ابراز می‌دارم.

تقدیم به

به اوراج بلند و ملکوتی همه شهدا اسلام و تمامی شهدای گمنام افغانستان

مخصوصاً «شهید محمد حسین مظلوم»

و پدرم که آموختن را به من آموخت

و مادرم که سالها محنت فراق و دوری ام را به جان تحمل نمود

چکیده:

در پژوهش حاضر درباره ژئوپلیتیک افغانستان در پاسخ به سوال اصلی که در طول تاریخ کشور افغانستان کدام یک از جنبه های فرصت و امکانات یا جنبه های محدودیتی و تهدید زدایی ژئوپلیتیکی افغانستان بیشتر نبوده است. این فرضیه مطرح شده که ژئوپلیتیک افغانستان مجموعه ای از فرصتها و تهدیدات را برای رشد و توسعه افغانستان فراهم، اما بدلیل سیاست قدرتهای بزرگ و ضعف رژیم های سیاسی جنبه های تهدیداتی آن بیشتر بوده. در این رابطه رساله در سه فصل سازماندهی شده در ابتدا کلیات و چارچوب نظری ژئوپلیتیک، به بررسی مفهوم ژئوپلیتیک و تفاوت آن با جغرافیای سیاسی، نظریه های ژئوپلیتیکی قرن بیستم، قدرت ملی و همچنین عوامل موثر ثابت و متغیر در ژئوپلیتیک بحث شد و بیان گردید که سیاست کشورها تحت تاثیر ژئوپلیتیک قرار دارد و در حال حاضر علی رغم کم رنگ شدن مرزهای جغرافیایی همچنان دارای نقش می باشد.

سپس در ادامه امکانات و فرصتهای ژئوپلیتیک افغانستان بررسی شد و مشخص گردید موقعیت جغرافیائی و اهمیت ژئوپلیتیکی و امکانات بالقوه افغانستان می تواند در رشد و توسعه کشور بررسی شود.

در فصل پایانی، تحت عنوان تهدیدات و محدودیت های ژئوپلیتیک افغانستان، محدودیتهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، ژئوپلیتیک افغانستان و قدرتهای بزرگ، ضعف رژیمهای افغانستان و ژئوپلیتیک مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و در مجموع براساس فرضیه اصلی مشخص گردید، که بدلیل موقعیت حساس جغرافیایی و اهمیت ژئوپلیتیکی (نقطه اتصال و راه عبور) از سپیده دم عمر تاریخی خویش تاکنون همواره تحت تاثیر متغیر ژئوپلیتیکی قرار گرفته و هجوم قدرتهای مهاجم و رقابت آنها را به خود دیده است؛ از سوی دیگر ضعف رژیمهای سیاسی و وابستگی آنها به قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه، مجموعه ای از عواملی هستند که باعث عقب ماندگی و عدم توسعه کشور افغانستان گردیده است. و این کشور کمتر توانستم از فرصت های موجود استفاده نماید.

فهرست

تقدیم

تقدیر و تشکر

چکیده

مقدمه: (طرح تحقیق) ۱

فصل اول

کلیات و چابوب نظری

تعاریف جغرافیا و سیاست ۸

رابطه علم سیاست با جغرافیا ۹

تعریف ژئوپلیتیک ۱۱

تفاوت ژئوپلیتیک با جغرافیای سیاسی ۱۳

نظریه های ژئوپلیتیکی قرن بیستم ۱۵

الف - دیدگاه فضایی - سرزمین ۱۶

ب - دیدگاه اقتصادی ۱۷

ج - دیدگاه فرهنگی ۱۷

نگرش ها

۱- نظریه فضایی حیاتی راتزل (۱۹۸۵م) ۱۷

۲- نظریه کیلن ۱۹

۳- نظریه قدرت دریای (۱۸۹۰م) ۲۰

۴- نظریه قدرت بری (۱۹۰۴م) ۲۱

۵- نظریه قدرت هوا (۱۹۵۰م) ۲۴

۶- نظریه سیستمی کوهن ۲۵

قدرت ملی ۲۶

۱- قدرت ملی و دو قلمرو کاربردی آن ۲۷

۲- قدرت و دوجه کاربردی آن ۲۷

۳- مراحل کاربردی قدرت ملی ۲۸

الف: روش مسالمت آمیز ۲۸

ب: روش خصومت ۲۸

عوامل موثر در ژئوپلیتیک ۲۹
عوامل ثابت

- ۱- موقعیت جغرافیایی ۳۰
- الف: موقعیت ریاضی ۳۰
- ب: موقعیت حائل ۳۰
- ج: موقعیت استراتژی ۳۰
- د: موقعیت گذرگاهی ۳۱
- هـ: موقعیت نسبی ۳۱
- ۲- فضا ۳۳
- ۳- وسعت ۳۳
- ۴- همواری یا ناهمواری ۳۵
- ۵- شکل کشور ۳۶
- ۶- کیفیت مرزها ۳۷

عوامل متغیر ژئوپلیتیک

- ۱- عامل جمعیت ۳۷
- ۲- منابع طبیعی ۳۹
- ۳- سازمان دولت و حکومت ۴۰
- ۴- نهاد آموزشی ۴۱
- نتیجه گیری و جمع بندی ۴۱

فصل دوم

امکانات و فرصتهای ژئوپلیتیک افغانستان

- الف: عوامل ثابت ژئوپلیتیک ۴۴
- ۱- موقعیت جغرافیایی ۴۴
 - ۲- موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان ۴۷
 - الف: احیا جاده ابریشم ۴۹
 - ۳- منابع طبیعی ۵۰
 - الف: معادن ۵۱
 - ب: جنگل ۵۳

۵۴	۴- وضعیت استراتژی (ناهموارها)
۵۴	ب: عوامل متغیر ژئوپلیتیک
۵۴	۱- وضعیت اقتصادی
۵۵	الف: رشد اقتصاد افغانستان
۵۵	۲- وضعیت کشاورزی
۵۷	۳- وضعیت امنیتی و مدیریت راهبردی
۵۹	جمع بندی و نتیجه گیری

فصل سوم

تهدیدات و محدودیت ژئوپلیتیک افغانستان

۶۲	الف: محدودیت های ژئوپلیتیک افغانستان
۶۲	۱- موقعیت سرزمین افغانستان
۶۲	الف: موقعیت هندسی افغانستان
۶۲	ب: موقعیت نسبی افغانستان
۶۳	۱- موقعیت و محدودیت
۶۳	الف: برای یا مرکزی افغانستان
۶۵	ب: شکل کشور افغانستان
۶۶	ج: ناهمواریها
۶۶	د: مرزهای افغانستان
۶۷	۲- مجاورت با همسایه قدرتمند
۶۸	۳- موقعیت حائل (تقسیمات استعماری)
۷۰	۲- تهدیدات و محدودیت ژئوپلیتیک
۷۰	الف: محدودیت ژئوپلیتیک افغانستان
۷۱	ب: محدودیت های امنیتی افغانستان
۷۳	ج: محدودیت ژئوپلیتیک مواد مخدر
۷۴	۱- تاریخ سیاسی مواد مخدر در افغانستان
۷۶	۲- مواد مخدر در افغانستان جدید
۷۷	۳- تخریب پایه های اقتصاد افغانستان
۸۰	ب: ژئوپلیتیک افغانستان و قدرتهای بزرگ

- راهبردها و سیاستهای استعمار در افغانستان ۸۰
- ۱- سیاست انگلیس در افغانستان ۸۱
- ۲- سیاست شوروی در افغانستان ۸۳
- الف: افغانستان قبل از دخالت نظامی شوروی ۸۳
- ب: روابط شوروی و افغانستان (دوره‌ی امان‌الله) (۱۹۱۹-۱۹۲۱) ۸۴
- ج: از برقراری جمهوری، تا یورش اتحاد جماهیر شوروی (دوره‌ی محمد داوود خان ۱۹۷۳) ... ۸۶
- د: علت اصلی کودتا و نقش شوروی ۸۷
- ه: تاکید بر قدرت شخصی داوود و تنوع روابط خارجی ۸۹
- ۱- توسعه روابط خارجی با کشورهای غیر از اتحاد جماهیر شوروی ۹۰
- ۲- سردی روابط با اتحاد جماهیر شوروی ۹۳
- ۳- پایان کودتا سفید و آغاز کودتا سرخ (یا پایان خونین جمهوری داوود) ۹۴
- الف: از قتل میر اکبر خیبر تا قدرت گرفتن امین ۹۵
- ب: قدرت گرفتن امین ۹۷
- ج: تجاوز مستقیم تحت پوشش تعهد نامه بین المللی ۹۸
- ۱- مداخله نظامی (۱۹۷۹) ۱۰۰
- ۲- افغانستان از نظر مسکو ۱۰۲
- ۳- پیامد مداخله نظامی شوروی در افغانستان ۱۰۴
- ۳- افغانستان و هدفهای سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا ۱۰۶
- الف: آغاز روابط دیپلماتیک ایالات متحده و افغانستان (۱۹۲۶) ۱۰۸
- ب: روابط در دوره پس از جنگ جهانی دوم آغاز جنگ سرد ۱۰۹
- ۱- ایالات متحده و رژیم جمهوری ۱۱۱
- ۲- ایالات متحده و رژیم دمکراتیک ۱۱۳
- ج: تجاوز شوروی به افغانستان و استراتژی آمریکا ۱۱۵
- ۱- دولت کارتر ۱۱۵
- ۲- دولت ریگان (۱۹۸۱) ۱۱۶
- د: ایالات متحده و افغانستان در دوره پس از شوروی ۱۱۷
- ۱- دولت بیل کلینتون ۱۹۹۳ ۱۱۸
- ۲- تحدید علاقه مندی ایالات متحده ۱۲۰
- ه: عوامل تجدید علاقه ۱۲۰

عامل اول	۱۲۰
عامل دوم	۱۲۱
و: (یازدهم سپتامبر و راهبردها و سیاستهای آمریکا در افغانستان)	۱۲۴
ج: محدودیت های ژئوپلیتیک و عقب ماندگی افغانستان	۱۲۸
۱- نفوذ و مداخلات خارجی	۱۲۸
الف: همسایگی شوروی	۱۲۸
ب: ایالات متحده	۱۳۰
ج: ساواک و سیا	۱۳۱
۲- ضعف رژیم های افغانستان	۱۳۲
الف: منابع مشروعیت در افغانستان	۱۳۳
ب: رژیم های سیاسی تاریخ معاصر افغانستان	۱۳۴
۳- افغانستان مشکلات و تعارضات راهبردی	۱۳۸
الف: امنیت، مشروعیت	۱۳۸
ب: اشغال علمی، استقلال نظری	۱۳۹
ج: اتحاد راهبری، همگرایی منطقه ای:	۱۳۹
جمع بندی و نتیجه گیری	۱۴۲
کتابنامه	۱۴۶

مقدمه:

طرح تحقیق

۱- طرح موضوع:

کشورها در عرصه سیاست داخلی و خارجی خود تحت تاثیر عوامل و متغیرهای گوناگونی که نشأت گرفته از محیط ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی می‌باشد قرار می‌گیرند، هر یک از این متغیرها می‌توانند به سهم خود از قدرتمندی، رشد و توسعه و یا ضعف و عقب ماندگی کشورها موثر واقع گردند. یکی از عوامل تاثیر گذار بر سطح قدرت و توسعه کشورها ژئوپلتیک بوده است و از این جهت همواره مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان علم سیاست قرار گرفته است. به عبارت دیگر بشر متمدن از هنگام پیدایش امپراتوریهای جهانگرا با نظامهای ژئوپلتیک جهان سرو کار داشته است نظامی که مانند دیگر پدیده‌های محیط انسانی پیوسته در حال دگرگون شدن و تکامل یافتن بوده و هست. از دیدگاه تاریخی تردیدی نیست که گرایشهای ژئوپلتیک از هنگامی آغاز گردید که قدرتهای بزرگ با گرایشهای جهانی پدیدار آمد.

از زمان عنوان شدن واژه ژئوپلتیک معنای تقابل قدرت با یک سرزمین و انسان هایی که در آن سکونت دارند مطرح بوده است و خلاصه اینکه این واژه نقشی بسیار اساسی در تولید قدرت داشته است.

برداشتها، رویکردها، مفاهیم، و موضوعات ژئوپلتیک هر یک به نحوی با پدیده قدرت سروکار دارد و انعراق نیست اگر گفته شود که جوهر ژئوپلتیک را قدرت تشکیل می‌دهد. به این معنا که موضوع ژئوپلتیک رابط بین عوامل جغرافیایی ثابت و متغیر با سیاست دولتها در پرتو قدرت بالقوه و بالفعل است البته میزان قدرت زایی ژئوپلتیک با تغییر شرایط زمان و مکان، متفاوت است، بنابراین پدیده قدرت در کشورها خصلتی پویا دارد.

علاوه بر آن تاثیرات عوامل مزبور در رفتار سیاسی دولتها نسبت به یکدیگر متفاوت می‌کند. مثلاً در گذشته قطب شمال اهمیت چندانی در روابط بین الملل نداشت، ولی با ورود جهانیان به

عصر هسته‌ای و کاربری موشک‌های قاره پیمای، قطب شمال از ارزش قدرت زایی بالایی برخوردار شد و به عرصه‌ی رقابت بین قدرتها بزرگ هسته‌ای نظیر آمریکا، شوروی، کانادا و... تبدیل شد؛ یا به طوری که هر کدام مهار بیشتری بر قطب شمال داشته باشد، می‌تواند موازنه قدرت استراتژیکی را به نفع خود تغییر دهد.

بنابراین دانش ژئوپلتیک به شکل کلاسیک یا جدیدش، در جستجوی تحلیل قدرت زایی عوامل ثابت و متغیر و تاثیر آن بر رفتار دولتها در صحنه روابط بین الملل و نیز تحلیل و تعیین جایگاه کشورها در نظام قدرت جهانی است. ژئوپلتیک در ارتباط با مفاهیمی مانند، همگرایی و واگرایی، سلسله مراتب و نظام قدرت جهانی، حوزه‌ی نفوذ، رقابت، تصمیمی گیری، بحران، کنترل، سلطه و نفوذ، صلح و همکاری، منافع و محیط، فضا، منافع ملی، روابط فضایی، امنیت، وحدت ملی، اقتدار ملی، استراتژیک و... نیز مورد بررسی می‌باشد. با توجه به مطالب فوق مشخص می‌گردد که ژئوپلتیک دارای دو جنبه است محدودیت و فرصت، و این دو بُعد در ارتباط مستقیم با چگونگی و نحوه بکارگیری عنصر ژئوپلتیک در سیاست معنی می‌یابد و می‌تواند به رشد و توسعه یا عقب ماندگی یک کشور منجر شود. در این راستا کشور افغانستان نیز در طول تاریخ گذشته اش تا کنون همواره تحت تاثیر متغیر ژئوپلتیک بوده است و این مساله حایز اهمیت می‌باشد که عنصر ژئوپلتیک چه فرصتها و محدودیت‌های را برای این کشور ایجاد کرده و در عمل چه آثار و پیامدهای را برای کشور افغانستان به‌مراه داشته است؟

۲ - سابقه موضوع:

درباره ادبیات موضوع و آثاری که وجود دارد باید گفت:

اولاً: در این زمینه، هیچ گونه سابقه کاری منسجمی وجود ندارد و بنابراین پژوهش حاضر در

حوزه خود از تازگی و طبعاً کاستی‌ها و نقایصی، برخوردار است.

ثانیاً: به لحاظ این که بیش تر منابع و متون موجودی که محققان داخلی و خارجی، در گذشته و حال، درباره افغانستان تدوین کرده اند مطالعه و پژوهش جدی و روش مندی، در این زمینه صورت نگرفته است. هر چند بعضی از دانشمندان در برخی مقالات خود به طرح این موضوع (ژئوپلیتیک افغانستان) مبادرت ورزیده اند، اما به صورت جدی بدان پرداخته اند.

دقیقاً همین امر، یکی از محدودیت‌های جدی این نوشتار محسوب می‌گردد. پیش تر پژوهشگران و محققان، با دیدگاه تاریخی به مطالعه مسائل افغانستان پرداخته اند و برخی دیگر نیز تجزیه و تحلیل وقایع و روی داده‌ها، به ویژه ربع قرن آخر را دنبال کرده اند. بررسی موضوع این رساله، حداقل در قالب علمی و روش مندان منابع و مطالب مربوط به افغانستان جایش خالی است، طبعاً تلاش بر آن بوده است تا این کاستی و خلأ از طرق ممکن بر طرف شود.

۳- سوال اصلی:

در طول تاریخ کشور افغانستان کدام یک از جنبه‌های فرصت و امکانات یا جنبه‌های محدودیت و تهدیدزایی ژئوپلیتیکی افغانستان بیشتر بوده است و چرا؟

۴- فرضیه اصلی:

ژئوپلیتیک افغانستان مجموعه‌ای از فرصتها، محدودیت‌ها و تهدیدات را برای رشد و توسعه افغانستان فراهم نموده، اما در طول تاریخ بدلیل سیاست قدرتهای بزرگ و ضعف رژیمهای سیاسی جنبه‌های محدودیتی و تهدیداتی آن بیشتر نمود داشته است.

۵- سوالات فرعی:

۱- دیدگاهها و نظرات مربوط به ژئوپلیتیک کدام است؟

۲- ژئوپلیتیک، افغانستان چه فرصتها و امکاناتی را برای این کشور ایجاد نموده است؟

۳- ژئوپلیتیکی افغانستان چه محدودیت‌ها و تهدیداتی را برای افغانستان ایجاد کرده است؟

۴- ژئوپلیتیک افغانستان چه تاثیری در رشد و توسعه افغانستان داشته است؟

۶- هدف:

در این پژوهش هدف آن است تا ژئوپلیتیک افغانستان مورد بررسی قرار دهیم و نشان دهیم که

در طول تاریخ، ژئوپلیتیک این کشور چه فرصت‌ها، محدودیت‌ها و تهدیدهایی را برای آن کشور

فراهم ساخته است. و چه تاثیری در رشد و توسعه این کشور داشته است؟

۷- جنبه جدید بودن و نو آوری تحقیق:

مطالعه و بررسی ژئوپلیتیک و رابطه جغرافیا و سیاست در افغانستان جهت تبیین تاثیر جغرافیا بر

سیاست در افغانستان و نقش آن در رشد و توسعه این کشور می‌باشد.

۸- روش تحقیق:

بصورت توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

۹- روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

بصورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

۱۰- قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی)

تحقیق درباره موقعیت جغرافیایی افغانستان، و از نظر موضوعی تاثیر آن بر سیاست

و فرآیند رشد و توسعه آن می‌باشد.

۱۱- مفاهیم و متغیرها:

ژئوپلیتیک: درک واقعیتهای محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در

بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد. به عبارت دیگر

ژئوپلیتیک، علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تاثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل است. امروزه در

تعریف قدرت که می تواند تولید سیاست کند، منابعی ارزشمند که نامرئی باشند و در حقیقت آنها منابع واقعی قدرت به شمار می روند که در این صورت عوامل متغیر ژئوپلیتیکی نقش اساسی خواهند داشت.

۱۲ - متغیرها:

متغیر مستقل: ژئوپلیتیک افغانستان

متغیر وابسته: رشد و توسعه افغانستان

۱۳ - سازماندهی پژوهش:

پژوهش حاضر در سه فصل تنظیم می گردد، فصل اول تحت عنوان کلیات و چارچوب نظری به بررسی مفهوم ژئوپلیتیک و تفاوت آن با جغرافیای سیاسی پرداخته می شود، همچنین دیدگاههای مربوط ژئوپلیتیک، فرصتها و امکانات ژئوپلیتیک بحث می شود. در فصل دوم تحت عنوان امکانات و فرصتهای ژئوپلیتیک افغانستان تلاش می گردد. موقعیت جغرافیایی این کشور، اهمیت ژئوپلیتیکی و امکانات بالقوه جهت رشد و توسعه بررسی می شود. و در فصل سوم تحت عنوان تهدیدات و محدودیت های ژئوپلیتیک افغانستان بحث و محدودیتهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و ژئوپلیتیک افغانستان و قدرتهای بزرگ مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل اول

کلیات و چارچوب نظری ژئوپلیتیک

تعاریف جغرافیا و سیاست

در نخستین برخورد با مباحث جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیای (ژئوپلیتیک)^۱ توجه به این اصل دارایی اهمیت است که این مباحث از روابط جغرافیا و سیاست سخن می‌گوید. بدین ترتیب شایسته است که مطالعه این روابط با تعاریف کوتاهی از هر یک از دو مبحث جغرافیا و سیاست آغاز گردد.

۱- جغرافیا علمی است که به مطالعه محیط انسانی کره زمین می‌پردازد، یا اینکه کره زمین را از دیدگاه محیط انسانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. به بیان دیگر، جغرافیا عبارت است از مطالعه علمی روابط انسان و محیط، حال این محیط، محیط زیست طبیعی باشد یا محیط زیست انسانی اقتصادی یا محیط سیاسی و امنیتی - استراتژیک.^۲ «جغرافیا محیط زندگی انسان را مطالعه می‌کند. برخی از متفکران عقیده دارند که شرایط جغرافیایی و طبیعی بر خصوصیت و شخصیت مردم و زندگی ملی و نهادهای سیاسی آنها تاثیر دارد»^۳

۲- سیاست واژه‌ای مانوس است که از گذشته‌های دور، انسان‌ها با آن سروکار داشته‌اند و با زندگی انسان پیوندی عمیق دارد. اندیشه و دانش سیاسی، پیشینه‌ای کهن دارد و به ایران و یونان قدیم برمی‌گردد، ولی سیاست به عنوان یک دانش و معرفت علمی مربوط به سالهای اخیر می‌شود. برای واژه سیاست معانی متعددی بیان کرده‌اند، مانند، فرمانروایی، مدیریت، مردم داری، تدبیر، تنبیه و مجازات، کشور داری، ستیزه، قدرت طلبی، و... بنابراین دامنه علم سیاست را موضوعاتی مانند: اندیشه سیاسی، مسایل روز، دیپلماسی، روابط بین الملل سیاست، دولت و حکومت و غیر آن در بر می‌گیرد.

۱ - Geopolitics

۲ - پیروز مجتهد زاده، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، ص ۱۹، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

۳ - عبد الرحمن عالم بینادهای علم سیاست، ص ۸۱، نشر نی، چاپ ۱۰.

در گذشته، مباحث سیاسی، بیشتر به گروه خاصی که طبقه حکام و فرمانروایان را تشکیل می‌دادند، محدود می‌شد ولی با گسترش دولت‌های ملی و به تبع آن فرهنگ دموکراسی و مشارکت توده‌های مردم در امور سیاسی و حکومتی، دایره مباحث سیاسی گسترده تر شد؛ در واقع می‌توان سیاست را علم اراده دولت و جامعه سازمان یافته سیاسی دانست که به مطالعه انسان در فرایند حکومت بر خویش می‌پردازد.

علم سیاست دانشی است که از حکومت، سازمان آن کار کردها و نقشها، اقتدار، حاکمیت، روابط اتحاد ملت با حکومت و دولت، حقوق و وظایف افراد ملت و قلمرو آزادی و اختیار انسان بحث می‌کند. به عبارت دیگر علم سیاست طیف گسترده‌ای از مسایل جامعه، از اقتدار سیاسی حکومت گرفته تا آزادی فردی را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین روابط دولت با دولت‌های دیگر و کنشها متقابل بین آنها در حیطه علم سیاست است.^۱ «نولی تعریف‌های چندی سیاست آورده است که از جمله: سیاست «هنر استفاده از امکانات است»^۲

رابطه علم سیاست با جغرافیا

علم سیاست اگرچه بسیط است ولی به سبب خصلت عمومی رشته‌ها و نیز بلحاظ اینکه رشته‌ای از خانواده علوم انسانی است، با دیگر شاخه‌های علوم انسانی ارتباط دارد که در میان آنها می‌توان به تاریخ، جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، جغرافیا، حقوق، مردم‌شناسی، آمار و اخلاق اشاره کرد. موضوع بحث ما؛ سیاست و جغرافیا است.

جغرافیا و سیاست با یکدیگر روابط متقابل دارند و هریک بر دیگری تاثیر می‌گذارد. پیوند علوم سیاسی با جغرافیا، از طریق شاخه‌های تخصصی جغرافیا نظیر: جغرافیا سیاسی و ژئوپلیتیک است.

۱ - محمد رضا حافظ نیا، مبانی مطالعات سیاس، اجتماعی، قم سازمان حوزه ها و معاونت فرهنگی مشهد آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۳-۱۴ ج ۱.

۲ - عبد الرحمن عالم، پیشین، ص ۲۹.